

# در انتخاب دوست

## بیدار باشید

عجیب است وقتی بخواهیم اسبی را بخریم در اصالت نژاد و طرز تربیت آن تحقیقات زیادی می‌کنیم ولی آیا در انتخاب رفیق همین قدر دقت بعمل می‌آوریم ؟ !

وحش‌زای تنهائی چهرهٔ حیات را عبوس و غم‌انگیز ساخته و روح را در تنگنای محاصره قرار میدهد ، اگر رشتهٔ مودت‌مان با کسی پیوند نخورد و احساس کردیم در این جهان هیچ‌دلی بخاطر ما نمی‌تپد ، و دیگران روان ما را در پناه خود جای نمی‌دهند ، دستخوش آشفتگی و اضطراب عمیق می‌شویم ، و آسمان دنیای وجودمان تیره و تار می‌گردد ، از سوی دیگر چنانکه بدن از انواع گوناگون خوراکیها تغذیه کرده و نیرو می‌گیرد ؛ روان نیز از مصاحبت با دوستان بکسب فضائل نائل یا بانواع سینات آلوده خواهد شد ؛ هر کس داهی را در

مسئله نفوذ و تأثیر محیط اجتماعی ، یکی از مباحث اساسی تربیت و مورد توجه خاص علماء اخلاق است ، انسان دوران زندگی را عموماً با دیگران می‌گذراند و در اجتماع تار و پود حیات روانیش بهم می‌تند ؛ بدین ترتیب سهم تربیتی کانون اجتماع از لحاظ پی‌ریزی شخصیت و منش اخلاقی افراد از هر عامل دیگر بیشتر و پرنفوذتر است .

اصولاً آمیزش و تماس افراد بشر ، با یکدیگر یکی از ضروریات سازمان وجودی او است ، انسان نمی‌تواند رشته ارتباط خود را با متنوعان قطع نموده و بگوشه انزوا پناه ببرد ؛ زیرا تاریکی

سایرین قرار می‌گیرد ، و وضع خویش را بقالب اصولی می‌ریزد که در گروهی که بآن تعلق دارد مقرر شده ، و نیز در دیگران به نسبت قدرت و سلطه خود در تربیت آنان اعمال نفوذ می‌نماید ، هر قدر شخص پرورش یافته و هوشمند باشد مقداری از استقلالش در میان انبوه مردم از بین می‌رود ، و زیر سلطه روحی اکثریت و فشار عقیده‌ای جمع واقع میگردد ، البته آنهایی که کمبودهای روانی دارند نیروی فکری‌شان ناساتر و موارد نفوذ پذیری آنها بیشتر و افراطی‌تر است .

\*\*\*

بر اساس نظریه دسته‌ای از روانشناسان ، دانشان هنگامی تقلید صورت می‌گیرد که برای وی رضایت خاطر خاصی پدید آورد و تصور میکند که این عمل را دیگران تأیید می‌نمایند ، و یا چنین کاری سبب موفقیت سایرین شده است ، مثلاً تقلید از اقدام قهرمانان و یا تقلید کودکان از رفتار بزرگسالان از همین رهگذر انجام می‌پذیرد ؛ حتی در مورد حیوانات نیز در شرایط خاص صورت می‌گیرد . در جایی حیوان مقلد می‌شود که از این راه بچیزی دسترسی پیدا کند .

« براون » می‌گوید : « آدمیان هنگامی بتقلید می‌پردازند که اینکار ، ایشان را در نیل به هدفهایی در حوزه روانی مدد نماید بعبارت دیگر وضع نیروی نهفته‌ای سبب تقلید می‌شود ، نه اینکه نیروی بنام تقلید این هدفها را ایجاد کند ، وقتی زن فروشنده‌ای موهای خود را مانند « گریب » آرایش می‌کند نه برای این است که نیروی بنام تقلید او را باینکار

زندگی اتخاذ کند نسبت بآن بشدت عشق و علاقه می‌ورزد ، و نیز خواستار آن است که حتی المقدور سایرین را بتخاذ همان شیوه برانگیزد و محیطی هماهنگ و دلنشین از معاشرین خود بوجود آورد ، و حتی از دریچه جهان بینی ، رنگی از طرز تفکر خویش بمسائل جهانی می‌دهد و در واقع می‌کوشد تا بر صحت راهی که برگزیده است ، دلائلی بترشد ، و پیدا است که مخالفت باره و روشی که در پیش گرفته برایش تحمل ناپذیر و دردناک خواهد بود .

به همین سبب چیزی که سعادت آینده ما عمیقاً منوط و وابسته بدان است همین مسئله « معاشرت » و میزان شناخت حدود آن است که با بهره‌مندی از تماس‌های سودمند ، سلامت نفس و استقلال فردایمان فراهم می‌شود ، باید نیازمندیهای روانی را در زمینه مصاحبت درک کرد ، و آنگاه بر اساس مقتضیات آن برنامه‌های خود را بطور دقیق طرح و تدوین و اجرا نمود ، این يك واقعت بزرگ و مبتنی بر بینشی عمیق است که بکار بستن آن بشناخت کامل افراد شدیداً نیاز دارد ، و بدون دقت در مورد یاد شده ، حفظ بهداشت و سلامت روانی هیچکس میسر نیست .

برخی از دانشمندان معتقدند که حس تقلید جزء فطرت آدمی است ، و این امر طوری نامحسوس است که بسادگی نمی‌توان بتأثیر عمیق و شگرف آن آگاه شد ، وجود کیفیت‌های مختلف تقلیدی حکایت از آن دارد که انسان در رفتارها و احساس و اخذ تصمیم‌های خود و حتی در اظهار نظر و داوری تحت تأثیر

تردید می‌کند که بر وجودش استیلا می‌یابد ناشی از کمبود مایه فکری در تشخیص امور، و از تکاپو برای نیل با استقلال فکری سرچشمه می‌گیرد. با توجه به این نکته که جوان در دوره کشفها و هیجانها است و قلبش بی‌هیچ کدورتی پذیرای هر نقشی است؛ بخوبی می‌توان دریافت که معاشر در چنین مرحله حساسی چه نقش بزرگی در آموزش و پرورش قوای روحی و عاطفی وی بازی میکند، لذا پیشگیری از بسیاری انحرافات و شکست و ناکامیهای آنان مستلزم آن است که با اصول معاشرت نمربخش و صحیح آشنا شوند و در جهت رشد واقعی شخصیت بخوبی رهبری گردند.



در انتخاب دوست باید حسن تشخیص را با آزادی کامل از اسارت عواطف بکار انداخت، و سعی کرد معیاری از ارزشهای واقعی او را بدست آورد و با نارسائیها و نقاط ضعفش آشنا شد، و درک نمود که به چه می‌اندیشد، چه احساسی دارد از چه چیز دررنج و عذاب است. و بالاخره در اعماق و زوایای روح او مزیت‌های انسانی و دوست داشتنی بدست آورد، تا بتواند برجستگی‌ها و فضائل را از وی اقتباس کند، بسیاری از مزایای عالی اخلاقی را در شخصیت‌هایی می‌توان بازشناخت که ظاهرشان هیچ حکایتی از آن ندارد، از تماس و صحبت مداوم با افراد پاک‌نهاد و ارزنده است که شکل و فرم شخصیت تنبیر می‌یابد، نیروهای حیات در مجرای جدیدی وارد گردیده و صورت نوینی پیدا می‌کند، و سبب

میراند؛ بلکه باین علت مبادرت بچنین عملی می‌نماید که آنرا وسیله نیل بشیوه زندگانی دیگر و یا زنان قهرمان دیگری که گریه‌نمایند ایشان است می‌داند» (۱)

هر چند در تمام ادوار زندگی توجه خاص بمسئله معاشرت ضروری است ولی برای جوان که خصوصیات دوران کودکی را پشت سر گذاشته و در آستانه حیات جدی و فعالیتها و ارتباطهای اجتماعی قرار می‌گیرد، حائز اهمیت بیشتری است؛ چه او بجای آنکه بطور دقیق وضع روحی و اخلاقی کسانی که میخواهد با ایشان در مسیر دوستی گام بردارد قیلا تمین نماید، بر اساس عوامل عاطفی حساب نشده و انگیزه‌های زودگذر قبل از آگاهی از طرز تفکر و صلاحیت آنها؛ درهای دوستی با دیگران را با میل و علاقه شدیدی عجلانه بروی خود میکشاید و همین بی توجهی بجنبه‌های عقل و مصلحت ممکن است جوان را از شاهره واقعی زندگی باز داشته و بوادی تباهی و فساد بکشاند، لذا نباید تمایلات و جاذبه و کشش طبیعی او را در اتصال بگروه همسن نادیده گرفت؛ و از راهنمایی با منطقی مستدل و رساو خیرخواهی کوتاهی کرد، تا مصون از هر گونه نفوذ نامیمون عناصر تبه‌کار و ناصالح و دور از هر نوع گزند تربیتی پرورش یابد.

در این مرحله که ساهای بیقراری او است شخصیتش رو با استقلال مینهد، قهرمان دوستیش حاکی از نیاز وی به راهنما و الهام گرفتن و پیروی از خط مشی او است، همچنانکه حالت وسواس و

ترین مسائل زندگی کمتر باهم توافق نظر کامل ، حاصل می کنند ، باید این حقیقت را همواره در مد نظر داشت و تا سرحد امکان خود را با طبایع و شخصیت های گوناگون معنادار ساخت ، تا بتوان در سایه مسالمت و مدارا عمیق ترین روابط و مناسبات توأم با صفا و یکرنگی را با معاشین شناخته شده برقرار نمود .

بعضی از افراد بعلت فقد بلوغ اجتماعی و رشد لازم برای همزیستی بقدری حساس و زودرنج و درجهان دوستی کم گذشت و سخت گیرند که کوچکترین خلاف انتظاری را نمی بخشند و با دیدن يك غفلت از دوستان یا سانی تسلیم احساسات خام و سوزان خویش گردیده و دست از امید تفاهم با آنها می شوی .

بند ، و با کدورت و رنجش خاطر عمیق پیوند مهر و علاقه خورا می برند ، و حال آنکه در زندگی روشنائی و تازیکگی ، خاری گل ، و زشت و زیبا همواره در کنار یکدیگر قرار دارند ، و از آغاز زندگی اجتماعی باید روش هر کس متکی با آداب ظاهری مطبوع و اصول ممنوی متقن باشد ، و پیاموزد که ناموس حیات اجتماعی بر این پایه استوار است که در برابر استفاده از مزایائی چند ضرورت دارد ناملایمات و خلاف انتظارات خودی تحمل کند ، و در عین حال از توقعات بیجا و تعقیب رؤیاهای بیهوده احتراز جوید . و هنر زندگی همین است که بتوانیم حتی المقدور حالت انعطاف در برابر توقعات خویش بوجود آوریم ، چه در بسیاری از موارد صلح و سازش پایدار ، جز از این راه بدست نمی آید ؛ و مهر و صمیمیت بسط و گسترش نمی یابد ،

می شود اراده شخص در ابتکار و خلاقیت : منشأ آثار و اعمال برجسته ای شود ، از سوی دیگر عدم دقت کافی و بی تفاوتی در این زمینه از بزرگترین لغزشهایی است که ممکن است هر انسانی مرتکب آن گردد ، و بپایه سعادت خویش شدیداً لطمه زند .  
«آویبوری» دانشمند معروف انگلیسی میگوید :

«واقعا متعجب آوراست وقتی بخواهیم اسبی را بخریم در باره اصالت نژاد و طرز تربیت آن تحقیقات زیادی می کنیم ولی آیا در انتخاب رفیق همین قدر دقت بعمل می آوریم ؟ آیا دوستان ما با اندازه اسب درزند گیمان تأثیری ندارد ؟

گفتم و باز هم تکرار می کنم باید در انتخاب دوستان دقت کرد غالب مصیبت های ما در نتیجه معاشرت های بیجا پدید می آید ، انسان وقتی از گهواره قدم بممر که حیات می گذارد در جولانگاه اجتماع با طبقات مردم آشنا می شود و بر حسب تصادف با گروهی از آنها معاشرت میکند بسا می شود در نتیجه آشنائی با فرومایگان در پر نگاه سفالت و رذالت می افتد ، ممکن است اشخاص فرومایه نسبت با شنایان خود منظور بدی نداشته باشند ، ولی مانند عقرب فقط باقتضای طبیعت دائماً بدیگران نیش میزنند و اخلاق زهر آلود خود را در روح آنها تزریق می کنند . » (۱)

یکی از مسائل اساسی در محنة زندگی اجتماعی فرا گرفتن شیوة همسازی با مردم است ، دوتن که از تمام جهات دارای عقاید و افکار و احساسات یکسانی باشند نمی توان یافت ، مردم راجع به جزئی-

نمی‌ریزند، بر اساس همین برنامه‌تأوقتی پیوندشان با دوستان استوار و پابرجا است که امید بجلب منفعت باقی باشد.

اما چنانچه از این راه به هدف دلخواه خود دست نیافته احساس کردند چرخ دوستی دیگر بر محور هدفشان نمی‌گردد، یکنوع سودی خاص جای روابط گرم و پر حرارت دوستانه را می‌گیرد، و از آن بیمد انگیزه‌ای برای ادامهٔ مناسبات دوستانه در وجودشان باقی نخواهد ماند، بدیهی است وقتی عدم ثبات و تلون، حاکم بر تمام شئون حیات اجتماعی کسی باشد بتدریج پرده از روی حقیقت بر گرفته می‌شود، و دیگران باشناخت این چنین روحیه‌ای مانند مهمان ناخوانده همواره با سردی و تحقیر با او روبرو می‌گردند و هر لحظه مانند سکه قلب وی را واپس می‌رانند، و این یک کیفیت روحی دردناکی است که ما آن را در میان بسیاری از مردم بفراوانی مشاهده می‌کنیم.

باید آنطور که سایرین هستند و نیاز دارند شناخت و درک کرد، نه آنطوریکه ما می‌خواهیم آنها باشند و این مسئله بستگی بمقدار رشد اخلاقی، لطافت عاطفی و روح تنهام انسان دارد، همه چیز را بر اساس تمایلات خویش ارزیابی کردن، اشتباه است، ولی بسیارند که بطور شدیدی احساساتشان یک جانبه سیر میکنند، و در نهادشان حس خودپرستی بقدری نیرومند است که در برابر آن مهر و علاقه و عواطف متعادل؛ که مژمه‌جال پرورش می‌یابد. گاهی خود پرستان بی حقیقت در زمینهٔ معاشرت هدف خاصی را دنبال می‌کنند، و تماس و مناسباتی که باید مستقل از منافع و مقاصد شخصی باشد بخاطر رفع نیازهای خاص خویش؛ با دیگران برقرار می‌سازند، همواره در تجسس دوستانی هستند تا از آنها سودی عاید گردد مثلاً هرگز طرح الفت با کسانی که دارای احساسات پاک و نیت صادقانه باشند ولی بردوستی آنها فایدهٔ مادی مثر تب نباشد،

## در نگاهداری علوم خود بکوشید

امام مجتبی (ع) فرزندان و برادرزادگان خود را احضار نموده فرمود: شما اکنون جوانید و در آینده بزرگان اجتماع را تشکیل خواهید داد، بروید علم و دانش یاد بگیرید، و هر کس نمی‌تواند مطالب علمی را حفظ کند، آن را یادداشت نموده در خانه خود نگه داری کند.

تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۲۱۴